

خاورمیانه به عنوان منطقه‌ای

عاری از سلاح‌های کشتار جمعی:

چشم‌اندازی جدید

حسین موسویان

امیر حسین زمانی نیا

برگردان: سهراب سوری*

چکیده

بدون توجه به انگیزه‌تپیه‌کنندگان ایرانی، اولین قطعنامه خاورمیانه عاری از سلاح‌های کشتار جمعی که در زمان شاه در سال ۱۹۷۴ در مجمع عمومی ملل متحد به تصویب رسید، در شرایط و محیط سیاسی فعلی جهان و خصوصاً بعد از جنگ سرد، ایده ایجاد مناطق عاری از سلاح‌های کشتار جمعی منطقی و توجیه خود را در راستای ارتقاء صلح و امنیت بین‌المللی پیدا کرده است. در مقاله حاضر دلایل و استدلال‌هایی برای گنجاندن پنج گزاره ارائه شده است: دو گزاره اول در مورد ارزش و سودمندی مناطق عاری از سلاح‌های کشتار جمعی از نقطه نظر اعتمادسازی بین دولت‌های مربوطه و ارتقاء امنیت در آن منطقه به خصوص و سه گزاره بعدی در مورد پیشینه (زیر سؤال رفتن و جاهد قانونی تمدید نامحدود معاهده NPT در سال ۱۹۹۵) و آینده ایده ایجاد منطقه عاری از سلاح‌های کشتار جمعی در خاورمیانه می‌باشد. این گزاره‌ها عبارتند از:

۱. ایجاد مناطق عاری از سلاح هسته‌ای خون‌جدیدی است که حیات معاهده NPT به ویژه ارکان اساسی آن که خلع سلاح هسته‌ای و منع اشاعه است، بدان وابسته و نیازمند است.
۲. گروه‌های جامعه مدنی، بخش‌های سیاست‌گذاری و دولت‌ها نیازمند آموزش و یادآوری دائمی، اقدامات خلاقانه متقابل هستند تا نیاز مبرم بشر به خلع سلاح هسته‌ای و عدم اشاعه آن که بود و نبود بشر در روی کره زمین بدان وابسته است به خوبی درک شود.
۳. نظر غالب در جهان عرب این است که تمدید نامحدود NPT در سال ۱۹۹۵ دارای اشکالاتی بوده است که باعث افزایش بی‌اعتمادی به کشورهای دارای سلاح هسته‌ای و غرب، به طور اعم، و ایالات متحده آمریکا و اسرائیل، به طور اخص، در زمینه مسائل امنیتی منطقه‌ای و جهانی شده است.
۴. ایجاد منطقه عاری از سلاح‌های کشتار جمعی در خاورمیانه بر فرآیند صلح عادلانه در جریان درگیری‌های اعراب و اسرائیل تأثیر مستقیم دارد و به صورت بالقوه می‌تواند مشوق اسرائیل برای دست برداشتن از لجاجت و پذیرش بیشتر این فرآیند باشد.
۵. در شرایط کنونی که برنامه هسته‌ای ایران به موضوعی مناقشه‌برانگیز بین‌المللی تبدیل شده و پیشرفت معناداری در روند منازعات اسرائیل و فلسطین حاصل نگردیده است، فرصتی برای پیشبرد ایده به ظاهر غیرعملی و آرمانی ایجاد منطقه عاری از سلاح هسته‌ای به وجود آمده است.

* پژوهشگر مرکز تحقیقات استراتژیک

تاریخ پذیرش: ۸۷/۰۵/۱۷

تاریخ ارسال: ۸۷/۰۲/۰۲

فصلنامه راهبرد / سال شانزدهم / شماره ۴۸ / تابستان ۱۳۸۷، صص ۲۱۵-۲۲۴

مرکز تحقیقات استراتژیک

در مورد مناطق عاری از سلاح‌های هسته‌ای در جهان، مشخصات، ساختار، مزایا و معایب و بالاتر از همه، کارکرد آنها به عنوان مکانیسمی برای عدم اشاعه سلاح‌های هسته‌ای مطالب فراوانی بیان و نوشته شده است. آمریکای لاتین، جنوب اقیانوس آرام، آسیای جنوب شرقی، آفریقا و قطب جنوب به عنوان بخش‌هایی از جهان هستند که مناطق عاری از سلاح‌های هسته‌ای شناخته شده‌اند. روند تشکیل و مسائل حقوقی و فنی مناطق عاری از سلاح کشتار جمعی فعلی، موضوع این مقاله نیست ولی مقاله حاضر دو گزاره اساسی در مورد مزایا و فواید مناطق عاری از سلاح‌های هسته‌ای، به طور اعم، و سه گزاره جدید و احتمالاً بحث‌برانگیز در مورد منطقه عاری از سلاح‌های هسته‌ای یا سلاح‌های کشتار جمعی در خاورمیانه، به طور اخص، ارائه خواهد کرد.

اینگونه سلاح‌ها ایجاد می‌شوند و هدف دیگر آنها توجه و تشویق این گونه دولت‌ها به تعهداتی است که بر اساس معاهده منع اشاعه (NPT) در جهت خلع سلاح هسته‌ای به صورت تدریجی و کامل پذیرفته شده است.

به این ترتیب، اولین گزاره این است که ایجاد مناطق عاری از سلاح هسته‌ای خون‌جدیدی است که حیات معاهده NPT به ویژه ارکان اساسی آن که خلع سلاح هسته‌ای و منع اشاعه است، بدان وابسته و نیازمند است. منطقی که باعث تدوین NPT شد هنوز هم به همان اندازه سال ۱۹۶۸، معتبر و به قوت خود باقی است. تولید سلاح‌های کشتار جمعی از نشانه‌های بارز رفتار نابخردانه و انسان‌به‌دور از تمدن و نیاز بیش از پیش وی را به رشد اخلاقی و معنوی بیان می‌کند.

امروزه با چالش‌های جهانی مختلفی رو به

رو هستیم که ایدز، فقر، درگیری‌ها و کشتار و تروریسم صرفاً نمونه‌هایی از آن است. چالش وجود ۳۶۰۰۰ سلاح هسته‌ای که بخش عمده آنها در آمریکا و روسیه قرار دارد، با سایر چالش‌هایی که با آنها مواجهیم کیفیتی کاملاً متفاوت دارد و با هیچ کدام از آنها قابل مقایسه نیست. چالش سلاح‌های هسته‌ای با سایر چالش‌ها تفاوتی کیفی دارد چون این سلاح‌ها می‌توانند حیات انسانی و سایر اشکال حیات را در تنها کره‌ای که روی آن زندگی می‌کنیم در اعتقاد بر این است که استقرار مناطق عاری از سلاح‌های هسته‌ای در بخش‌های مختلف جهان به دو دلیل باعث افزایش امنیت جهان می‌شود. اولاً، این گونه مناطق موجب اعتمادسازی بین دولت‌ها و تقویت نظام عدم اشاعه خواهد بود. ثانیاً، مناطق عاری از سلاح‌های هسته‌ای بر حسب تعریف، با هدف محدود کردن کشورهای دارای سلاح هسته‌ای برای انتقال یا استقرار پنهانی شناورهای حاوی سلاح‌های هسته‌ای خود در مناطق عاری از

یک لحظه و برای چندین بار متوالی نابود کنند. از قول آلبرت اینشتین نقل شده است که اگر جنگ جهانی چهارمی باشد، احتمالاً سنگ و چوب سلاح‌های آن خواهند بود. البته او فرض را بر این می‌گذارد که بعد از جنگ جهانی سوم، که در آن از سلاح‌های هسته‌ای استفاده خواهد شد، باز هم انسانهایی بر روی زمین باقی می‌مانند که در جنگ چهارم جهانی با سنگ و چوب با هم بجنگند. دیوید کریگر، عضو بنیاد پروژه صلح در عصر هسته‌ای، معتقد است که گفته اینشتین بسیار خوشبینانه است.

گزارهٔ دوم این است که مردم، گروه‌های جامعه مدنی، بخش‌های سیاست‌گذاری و دولت‌ها نیازمند آموزش و یادآوری دائمی، و اقدامات خلاقانه متقابل هستند تا نیاز مبرم بشر به خلع سلاح هسته‌ای و عدم اشاعه آن که بود و نبود بشر در روی کره زمین بدان وابسته است به خوبی درک شود.

گزارهٔ دوم این است که مردم، گروه‌های جامعه مدنی، بخش‌های سیاست‌گذاری و دولت‌ها نیازمند آموزش و یادآوری دائمی، و اقدامات خلاقانه متقابل هستند تا نیاز مبرم بشر به خلع سلاح هسته‌ای و عدم اشاعه آن که بود و نبود بشر در روی کره زمین بدان وابسته است به خوبی درک شود.

چالش‌های ایجاد منطقه عاری از سلاح‌های کشتار جمعی در خاورمیانه

علی‌رغم گزاره‌های اول و دوم، هنگامی که موضوع خاورمیانه مطرح می‌شود، پیچیدگی‌های مسئله و میزان در تلاش برای ایجاد منطقه عاری از سلاح هسته‌ای یا عاری از سلاح‌های کشتار جمعی به قدری آشکار است که مضحک به نظر می‌رسد. ولی این ایده چه

خنده دار باشد چه نباشد، ایجاد منطقه عاری از سلاح‌های کشتار جمعی در هیچ کجای دنیا به اندازه خاورمیانه به نفع صلح و امنیت بین‌المللی نخواهد بود. با این که در ظاهر از ایجاد چنین منطقه‌ای در خاورمیانه حمایت فراوانی صورت می‌گیرد ولی پیشرفت عملی در جهت نیل به این هدف هیچ امیدوار کننده نبوده است.

جالب توجه‌ترین پیشرفتی که در این مسیر صورت گرفته است، دستاورد کنفرانس تمدید و بازنگری NPT در سال ۱۹۹۷ است که طی آن کشورهای عضو این معاهده با اکثریت آرا سند پایانی کنفرانس را تصویب کردند که جزء لاینفکی از آن سند، قطعنامه مربوط به ایجاد منطقه عاری از سلاح‌های کشتار جمعی در خاورمیانه بود. این واقعه اوج پیشرفت ۲۱ ساله تلاش در مجمع عمومی سازمان ملل بود که ایران از سال ۱۹۷۴ آن را آغاز و سپس همراه با مصر در مجمع عمومی سازمان ملل پیگیری کرد.

تصویب قطعنامه مربوط به ایجاد منطقه عاری از سلاح‌های کشتار جمعی در خاورمیانه که طی کنفرانس تمدید و بازنگری NPT در سال ۱۹۹۵، اتفاق افتاد پیشرفت مهمی در این زمینه به حساب می‌آید، ولی ظاهراً منجر به اعمال بیشترین فشار نه تنها بر این طرح، بلکه بر تمدید نامحدود NPT شده است. به علاوه، آن دسته از اعضای اتحادیه کشورهای عرب که بین سالهای

۱۹۹۵ و ۲۰۰۰، و در نتیجه کنفرانس تمدید و بازنگری NPT در سال ۱۹۹۵ و به خصوص بعد از تصویب قطعنامه خاورمیانه عاری از سلاح‌های کشتار جمعی آن به پیمان مذکور ملحق شدند، اکنون بر این باورند که در کنفرانس بازنگری و تمدید NPT در ۱۹۹۵ گمراه شده‌اند چون سایر طرفهای معاهده نه به وعده‌های خود عمل کردند و نه اصلاً چنین نیتی داشتند^(۱).

در سال ۱۹۹۵، کشورهای عضو NPT توافق کردند که این معاهده را به صورت نامحدود طی بسته‌ای شامل سه تصمیم و یک قطعنامه تمدید کنند. سه تصمیم مذکور عبارت بودند از: تعهد به تقویت NPT، جهان شمول کردن آن و تبیین اهداف، اصول و شیوه‌های اجرایی معاهده. قطعنامه مذکور نیز در مورد ایجاد منطقه عاری از سلاح‌های کشتار جمعی در خاورمیانه بود و اکنون که بیش از ۱۳ سال از کنفرانس مذکور می‌گذرد، بسیاری از کشورهای در حال توسعه، از جمله تمام کشورهای عرب و ایران معتقدند که در این مورد هیچ اقدام واقعی صورت نگرفته است و هیچ گونه عزم یا طرح اجرایی برای تصمیم‌ها یا قطعنامه خاورمیانه‌ای کنفرانس سال ۱۹۹۵ از سوی کشورهایی که امکان اجرای آنها را دارند به چشم نمی‌خورد.

اتحادیه عرب، بنابر دیدگاه‌های مذکور و در چهارچوب قطعنامه خاورمیانه عاری از سلاح‌های کشتار جمعی سال ۱۹۹۵، قانونی بودن تمدید نامحدود NPT را مورد تردید قرار داده است. به همین ترتیب، کشورهای دارای سلاح هسته‌ای به دلیل پایبند نبودن به تعهدات خود در زمینه خلع سلاح هسته‌ای در چهارچوب NPT، از سوی بسیاری از کشورها و توسط وزرای خارجه کشورهای عضو «ائتلاف دستور کار جدید»^(۲) مورد انتقاد قرار گرفته‌اند. به عنوان مثال در سال ۲۰۰۵ وزرای خارجه کشورهای «ائتلاف دستور کار جدید» به صورت بی‌پرده و مکرر تأکید کردند که در زمینه اجرای NPT و پیشرفت کشورهای دارای سلاح هسته‌ای و تحقق خلع سلاح کامل نگران هستند. «طی کنفرانس بازنگری پنج سال پیش، کشورهای دارای سلاح هسته‌ای به طور بی‌قید و شرط متعهد شدند که تمامی زرادخانه‌های هسته‌ای خود را از بین ببرند... در حقیقت، کشورهای دارای سلاح هسته‌ای باید قبول کنند که خلع سلاح و منع اشاعه، فرآیندهایی لازم و ملزوم یکدیگرند: چیزی که وجود نداشته باشد امکان اشاعه نیز نخواهد داشت.»

با بررسی مباحث و اسناد کنفرانس بازنگری NPT در سال ۲۰۰۵ می‌توان منطق و حکمت این نظرات را ارزیابی کرد. به دلیل همین نظرات و مقاومت‌های زورمدارانه کشورهای دارای سلاح هسته‌ای، کنفرانس بازنگری NPT در سال ۲۰۰۵ در تصویب سند نهایی موفق نبود. در گزاره سوم نظر غالب در جهان عرب این

است که تمدید نامحدود NPT در سال ۱۹۹۵ دارای اشکالاتی بوده است که باعث افزایش بی‌اعتمادی به کشورهای دارای سلاح هسته‌ای و غرب، به طور اعم، و ایالات متحده آمریکا و اسرائیل، به طور اخص، در زمینه مسائل امنیتی منطقه‌ای و جهانی شده است.

آنها معتقدند همان گونه که موضع اتحادیه عرب در مباحث مربوط به اجلاس بازنگری سال ۲۰۰۵ نشان می‌دهد، قدرتهای بزرگ به خصوص ایالات متحده آمریکا و سایر کشورهای دارای سلاح هسته‌ای که بر روی اسرائیل نفوذ دارند، در واقع با تصویب قطعنامه ایجاد منطقه عاری از سلاح‌های کشتار جمعی در خاورمیانه موجبات فریب جمعی را فراهم آورند تا با تمدید نامحدود معاهده، موافقت نمایند و آن دسته از کشورهای عربی را هم که تا سال ۱۹۹۵ به NPT نپیوسته بودند مجاب کنند که این کار را انجام دهند. کشورهای عربی معتقدند که ایالات متحده آمریکا و کشورهای قدرتمند دیگر، اصلاً قصد یا طرحی برای وارد کردن فشاری معنادار بر اسرائیل به منظور نابودی زرادخانه هسته‌ای خود، الحاق به NPT و قرار دادن تأسیسات هسته‌ای این کشور تحت نظارت سیستم پادمان آژانس بین‌المللی انرژی هسته‌ای نداشته‌اند. ایران نیز همواره با این نظر کشورهای عرب موافق و همراه بوده است.

در نتیجه، قطعنامه خاورمیانه عاری از سلاح‌های کشتار جمعی و تعهدات اعلام شده در کنفرانس بازنگری و تمدید NPT در سال ۱۹۹۵، باقیمانده اعضای اتحادیه عرب که NPT را پذیرفته بودند تا سال ۲۰۰۰ به این معاهده ملحق شدند. به این ترتیب، اسرائیل تنها کشور خاورمیانه است که تا کنون به NPT ملحق نشده است و همچنان با اراده جامعه بین‌المللی (که در قطعنامه خاورمیانه‌ای کنفرانس بازنگری سال ۱۹۹۵ منعکس شده است) و نیز ۲۶ قطعنامه مجمع عمومی و قطعنامه شماره ۶۸۷ شورای امنیت سازمان ملل که خواستار ایجاد منطقه‌های عاری از سلاح‌های کشتار جمعی در خاورمیانه شده است، بی‌اعتنایی می‌کند. اسرائیل با گستاخی به هر درخواستی برای برچیدن زرادخانه هسته‌ای و قرارداد تأسیسات هسته‌ای خود تحت نظام پادمانهای آژانس بین‌المللی انرژی هسته‌ای پاسخ رد می‌دهد.

حمایت اسرائیل از ایده تشکیل منطقه عاری از سلاح‌های کشتار جمعی در خاورمیانه صوری است

جالب توجه است که قطعنامه‌های سالیانه مجمع عمومی سازمان ملل درباره ایجاد منطقه عاری از سلاح‌های کشتار جمعی در خاورمیانه، سالهاست که با اکثریت آرا به تصویب می‌رسند. به عبارت دیگر، این قطعنامه شبیه بسیاری دیگر از قطعنامه‌های مجمع عمومی در مورد

خاورمیانه نیست که اغلب اوقات تنها با آرای منفی یا ممتنع ایالات متحده آمریکا و اسرائیل به تصویب می‌رسند. هنگامی که ایران ایجاد منطقه عاری از سلاح‌های کشتار جمعی در خاورمیانه را برای اولین بار در سال ۱۹۷۴ به شکل قطعنامه‌ای به مجمع عمومی سازمان ملل ارائه داد، اسرائیل به آن رأی ممتنع داد.

از آنجایی که قطعنامه مزبور سالهای متمادی در مجمع عمومی سازمان ملل به تصویب

می‌رسید، اسرائیل از نظر تاکتیکی حمایت از آن، یا دست کم مخالفت نکردن با آن را مفید ارزیابی کرد و متعاقباً به آن رأی مثبت داد. تصور

عام در خاورمیانه این است که اسرائیل، ایالات متحده آمریکا و احتمالاً سایر بازیکنان بین‌المللی و حتی کشورهای خیرخواه، قطعنامه‌های مربوط به ایجاد منطقه عاری از سلاح‌های کشتار جمعی در خاورمیانه را به مثابه طعمه‌ای

برای کسب مشروعیت و شناسایی اسرائیل برای کالایی که اسرائیل بدان نیاز مبرم دارد در

خاورمیانه قرار داده‌اند. از نظر اسرائیلی‌ها و برخی کشورها، با استفاده از جذابیت خلع

سلاح هسته‌ای اسرائیل در آینده‌ای نامعلوم و ایجاد منطقه‌ای عاری از سلاح هسته‌ای در

خاورمیانه می‌توان مذاکرات دو و چندجانبه بین اسرائیل و کشورهای خاورمیانه را بر اساس

نوعی مکانیسم بین‌المللی، ترتیب داد. بر اساس

این طرح، سودی که نصیب اسرائیل می‌شود سال‌ها همراهی، مذاکره و شراکت تدریجی با برخی کشورهای خاورمیانه است که به شناسایی اسرائیل و دائمی شدن اشغال سرزمین‌هایی منجر می‌شود که اعراب در هر حالت دیگر آن را غیرقانونی و ظالمانه می‌دانند. احتمالاً سیاستگذاران کشورهای غربی این تحلیل را قابل دفاع نمی‌دانند ولی تحلیل غالب در خاورمیانه دور از این نیست.

برخی حتی ممکن است بگویند که با توجه به جهت‌گیری سیاسی ایران زمان شاه، احتمالاً تفکر زمینه‌ساز اولین قطعنامه ایجاد منطقه عاری از سلاح هسته‌ای در خاورمیانه که در سال ۱۹۷۴ از سوی ایران در مجمع عمومی سازمان ملل مطرح شد نیز چیزی غیر از تلاش در جهت تطهیر و مشروعیت اسرائیل در خاورمیانه نبوده است.

با این حال، صرف‌نظر از تفکر اولیه ایران، ایالات متحده آمریکا، اسرائیل یا هر کس دیگر،

معقول این است که بگوییم اکنون بعد از گذشت سه دهه از ارائه اولین قطعنامه، ایجاد منطقه

عاری از سلاح‌های کشتار جمعی در خاورمیانه قوام یافته و دارای منطق و پشتوانه فکری خاص

خود شده است. بر اساس نظر برخی تحلیلگران فرآیند ایجاد منطقه عاری از سلاح‌های

کشتار جمعی در خاورمیانه به صورت بالقوه

می‌تواند موجب تسهیل نوعی ترتیبات امنیتی باشد که به یافتن صلحی عادلانه و پایدار برای

پایان دادن به درگیری‌های اعراب و اسرائیل در خاورمیانه کمک کند.

گفته می‌شود که اسرائیل بین ۱۰۰ تا ۲۰۰ سلاح هسته‌ای در زرادخانه خود دارد. این موضوع باعث شده که برای اسرائیل نوعی اعتماد به نفس کاذب پدید آید تا در سایه آن جسارت رد کردن هر گونه طرح صلح عادلانه را

بدون هیچ گونه تردیدی داشته باشد. از منظر

تئوری، ایجاد منطقه عاری از سلاح‌های کشتارجمعی در خاورمیانه باعث از بین رفتن

غرور و خودبزرگ‌بینی اسرائیل می‌شود و او را آماده پذیرش فرآیند صلح واقعی و عادلانه

می‌کند. این استدلال اسرائیلی‌ها که سلاح‌های هسته‌ای این کشور نوعی عامل بازدارنده نهایی

در مقابل اعراب و ایرانیان محسوب می‌شود نباید گوش شنوایی پیدا کند چون توازن قدرت

متعارف، همچنان که در جنگ‌های قبلی نیز به اثبات رسیده است، به نفع اسرائیل بوده است. به

علاوه، ایالات متحده آمریکا، به عنوان کشوری که خود را تنها ابرقدرت کنونی قلمداد می‌کند

تضمین برتری نظامی و استراتژیک اسرائیل در خاورمیانه را جزء لاینفک استراتژی امنیت ملی

خود می‌داند. به سختی می‌توان تصور کرد که ایالات متحده آمریکا بدون برخورداری اسرائیل

از زرادخانه هسته‌ای قادر به تضمین این حاشیه امنیتی برای اسرائیل نباشد.

بنابراین چهارمین گزاره این است که ایجاد منطقه عاری از سلاح‌های کشتارجمعی در

خاورمیانه بر فرآیند صلح عادلانه در جریان درگیری‌های اعراب و اسرائیل تأثیر مستقیم دارد و به صورت بالقوه می‌تواند مشوق اسرائیل برای دست برداشتن از لجاجت و پذیرش بیشتر این فرآیند باشد.

اغلب تحلیلگران قبول دارند که ایجاد منطقه

عاری از سلاح‌های هسته‌ای و کشتارجمعی یا در خاورمیانه کاری بسیار مشکل است. این

موضوع رویکردی قدم به قدم، تغییری در نظرها و عقیده‌ها، اقدامات اطمینان‌ساز و اراده‌ای

متهورانه را برای نجات نسل‌های بعدی از بلایای جنگ، به گونه‌ای که در منشور سازمان ملل آمده

است، اقتضا می‌کند. فهرستی که ارائه می‌شود حاوی اقداماتی مرتبط به هم و لازم و ملزوم

یکدیگر است که می‌تواند به تسهیل ایجاد منطقه عاری از سلاح‌های هسته‌ای در خاورمیانه

بینجامد:

اقدامات کلی

- اقداماتی با هدف ارتقاء احترام به NPT و

غیرتبعیض‌آمیز آن

- اقداماتی برای تقویت نظام منع اشاعه

-اقداماتی برای تقویت خلع سلاح هسته‌ای و پایبندی کشورهای دارای سلاح هسته‌ای به تعهدات خود.

آسان‌ترین راه برون رفت، البته از نظر رویه بین‌المللی، درخواست از سازمان ملل برای برگزاری این گونه جلسات است که معمولاً اعراب و ایران در آنها شرکت می‌کنند.

اقدامات ویژه

۱. باید توجه داشت که پیشرفت در زمینه ایجاد منطقه عاری از سلاح‌های هسته‌ای یا عاری از سلاح‌های کشتار جمعی در خاورمیانه، زمانی محتمل است که به امکان برقراری صلحی بادوام امیدوار بود.

۴. ایجاد مفهومی سیاسی در جلسات کارشناسان دولتی به منظور تدوین نوعی نظارت که از طریق همکاری و به صورت غیرمداخله جویانه اعمال شود و این نظارت به عنوان اقدامی اعتماد ساز نسبت به ایجاد منطقه عاری سلاح‌های کشتار جمعی در چهارچوب ترتیبات امنیتی

۲. در طراحی اقدامات اعتمادساز مربوط به مسائل امنیتی خاورمیانه، باید از بلندپروازی پرهیز و از خلاقیت بهره جست.

منطقه‌ای در خاورمیانه خواهد بود. وظیفه این گروه کارشناسی دولتی را میتوان رسیدن به نوعی متن توافق شده برای راستی آزمایی غیر

۳. ترتیب دادن مجموعه‌ای از جلسات در سطح مدیران میانی دولت‌های منطقه، برای بحث و تلاش جهت دستیابی به توافق در مورد الزامات سیاسی و امنیتی موقعیت و زمانی در آینده که در آن موقعیت و زمان مذاکرات مربوط به منطقه عاری از سلاح‌های هسته‌ای در خاورمیانه بتواند سازنده باشد

مداخله جویانه ایجاد احتمالی منطقه عاری از سلاح‌های هسته‌ای در خاورمیانه تعیین کرد. این موضوع باید برای کشورهای عرب و ایران جالب توجه باشد و از آنجایی که رسیدن به اجماع در این مورد ضروری است، به اندازه کافی تضمین وجود دارد که تمام نقطه نظرات، از جمله نقطه نظرات اسرائیل، مد نظر قرار گیرد.

این قدم می‌تواند مشکل ساز باشد. برای این که چنین اقدامی مفید واقع شود، مشارکت تمام کشورها شامل ایران و کشورهای عرب منطقه که اسرائیل را به رسمیت نمی‌شناسند ضروری است. برای شروع سریع این فرآیند، خلاقیت و انعطاف پذیری باید چراغ راه باشد. احتمالاً

موضوع عضویت در منطقه خاورمیانه عاری از سلاح هسته‌ای و لزوم یا عدم لزوم تصویب عضویت کشورها توسط مجالس ملی برای اجرایی شدن طرح منطقه خاورمیانه عاری از سلاح هسته‌ای، موضوع دامنه و حوزه کاربردهای صلح‌آمیز فناوری هسته‌ای در

چهارچوب معاهده منع اشاعه و مباحث جاری بین‌المللی مربوط به تأسیسات چرخه سوخت و فناوری را نیز می‌توان در دستور کار گروه کارشناسی مذکور گنجانند.

این فرآیند صرفاً به منظور درک مشکلات و پیچیدگی‌های موضوع خواهد بود و به عنوان مذاکره تلقی نمی‌شود. با این حال مباحث این جلسات و سند نهایی اجماعی مربوط به راستی آزمایی غیرمداخله‌جویانه ایجاد منطقه عاری از سلاح‌های کشتار جمعی قطعاً می‌تواند برای هر گونه مذاکره احتمالی در آینده مفید باشد. روند حصول توافق بین برزیل و آرژانتین در مورد راستی‌آزمایی غیرمداخله‌جویانه از تأسیسات هسته‌ای یکدیگر می‌تواند مد نظر قرار گیرد.

۵. اسرائیل، به عنوان تنها کشور خاورمیانه که دارای سلاح هسته‌ای است، می‌تواند در ابتدا دست به اقداماتی بزند که از نظر راهبردی کم‌ریسک ولی دارای تأثیر سمبلیک زیاد باشد تا به شروع این فرآیند کمک کند. «اسرائیل باید تعطیلی نیروگاه هسته‌ای دیمونا و تأسیسات مربوط به آن را که قلب برنامه هسته‌ای این کشور به حساب می‌آیند مد نظر قرار دهد. اسرائیل تا همین جا نیز دارای مواد هسته‌ای زیادی است که بیش از میزان مورد نیاز به او قدرت بازدارندگی می‌دهد و رآکتور مزبور به اضافه تأسیسات جانبی آن باید تا انتهای عمر

مفید خود تعطیل باشد.»

در داخل ایران، ارجاع برنامه هسته‌ای این کشور به شورای امنیت سازمان ملل ادامه زورآزمایی ۳۰ ساله آمریکا با ایران تلقی می‌شود. رابطه‌ای پرفراز و نشیب که از نظر مقامات آمریکایی شایسته شأن این کشور به عنوان تنها ابرقدرت جهان نیست. بحران آمریکا در عراق، مسئله حزب ا... و درگیری‌های اسرائیل و فلسطینی‌ها نیز از نظر مقامات آمریکایی نمک پاشیدن ایران به زخم‌های آمریکا تلقی می‌شود و این کشور را برای اعمال فشار بیشتر بر آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، کشورهای اروپایی، روسیه و چین مصمم‌تر کرده است. و به این ترتیب احتمال دستیابی به راه‌حلی مرضی‌الطرفین از طریق مذاکره را دشوارتر ساخته است. از نظر برخی نومحافظه‌کاران، ایرانی‌ها باید بفهمند که رییس کیست. ولی مسائل به این سادگی نیست. ایالات متحده آمریکا باید متوجه باشد که از آن کشور انتظار می‌رود که خود به گفته‌ها و مواضع اعلامی‌اش عمل کند، و سیاست‌های منع اشاعه را به صورت غیرتبیض‌آمیز پیگیری کند. در غیر این صورت، تلاش‌های این کشور جدی گرفته نخواهد شد. شیوه تهدید کشوری مثل ایران که در چهارچوب NPT عمل می‌کند به اعمال تحریم‌های بین‌المللی یا حتی اقدام نظامی، در

حالی که خود آمریکا به تعهدات خلع سلاح هسته‌ای مبتنی بر NPT پایبند نیست، یا اغماض نسبت به اشاعه سلاح‌های هسته‌ای توسط برخی کشورها یا حتی کمک به برخی کشورها در اشاعه سلاح هسته‌ای را فقط می‌توان سیاست زورمدارانه و بی‌علاقگی این کشور به منع اشاعه دانست. معیارهای دوگانه ایالات متحده آمریکا صرفاً محدود به اسرائیل نیست. قصد اعلام شده این کشور برای انعقاد توافق همکاری هسته‌ای با هند مثال دیگری از پاداش دادن به کشوری است که از امضا کردن NPT امتناع و سلاح هسته‌ای تولید کرده است. این موافقتنامه برخلاف تعهدات ایالات متحده آمریکا بر اساس NPT و نیز مغایر قطعنامه ۱۱۷۲ شورای امنیت است که از هر دو کشور هند و پاکستان خواسته است برنامه سلاح‌های هسته‌ای خود را متوقف کنند.

یادداشت‌ها

- ۱- به سند سازمان ملل، 40/wp.2005/NPT/CONF، که سند کاری ارائه شده توسط دولت قطر از طرف کشورهای عضو اتحادیه کشورهای عرب به کنفرانس بازنگری اعضای معاهده منع اشاعه سلاح‌های هسته‌ای سال ۲۰۰۵ است مراجعه کنید. بخش‌هایی از این سند به قرار زیر است:
- ۲- کشورهای عضو New Agenda Coalition عبارتند از: برزیل، مصر، آفریقای جنوبی، زلاند نو، مکزیک، سوئد و ایرلند.

منابع

1. Baumgart Claudia and Muller Harald, (Winter 2004-05) A Nuclear weapon-Free zone in the Middle East: A Pie in the Sky? The Washington Quarterly, p. 57
2. Kalinowski, Martine B. Steps towards a Weapons of Mass destruction Free Zone in the Middle East, International Network of Engineers and Scientists against Proliferation.
3. Krieger, David the Most Important Moral Issue of Our Time. www.NuclearFiles.org

تا آنجایی که به منطقه عاری از سلاح‌های هسته‌ای در خاورمیانه مربوط می‌شود، باید توجه داشت اکنون که به دلیل فشار غیرموجه ایالات متحده علیه ایران و سوء استفاده از مکانیسم بین‌المللی سازمان ملل آمریکا اصرار دارد، ایران گناهکار فرض شود تا زمانی که بی‌گناهی خود را اثبات کند، از نظر ایران، اتخاذ موضعی فعالتر در فرآیند ایجاد منطقه عاری از سلاح‌های هسته‌ای در خاورمیانه، می‌تواند